

از کرمانشاه تا هامبورگ روی خط سیاست و روان‌پزشکی

تألیف

داریوش پورکائن



نشر آب خست

سرشناسه	:	پورکیان، داریوش، ۱۳۲۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	از کرمانشاه تا هامبورگ، روی خط سیاست و روان پزشکی / تألیف داریوش پورکیان.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات آب خست، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۲۳۶ ص.
شابک	:	978-622-6104-11-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	پشمنی، چنگیز، ۱۳۰۷ -
موضوع	:	پزشکان ایرانی - قرن ۱۴ - سرگذشت‌نامه
موضوع	:	Iranian physicians - 20 th century - Biography*
رده بندی کمره	:	۶۳۴
رده بندی دی‌سی	:	۶۱۰/۹۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۰۳۸۰۱۸



نشر آب خست

عنوان

از کرمانشاه تا هامبورگ، روی خط سیاست و روان پزشکی

نویسنده

داریوش پورکیان



صفحه آرا: اکرم ملک نژاد

طراح جلد: بهنام میرصمدزاده

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۰۴-۱۱-۱

قیمت: ۹۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۹۱۹۳۴۱۶۷۴۱



کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه ناشر
۵	پیش گفتار
۸	تجربه اولین ضربه روحی: جدایی از دایه
۱۱	اجداد چنگیز
۱۱	سرنوشت حاج حسین پشمی، پدر بزرگ پدری چنگیز
۲۲	سفر حاج محمد پشمی، پدر چنگیز، به اروپا
۳۱	وقتی دایه در زناگی یک، بچه سرنوشت ساز می شود: کودکی چنگیز
۴۲	دستگیری پدر و ربه دری زن و بچه های او، ضربه دیگری بر روح چنگیز
۵۱	تبعید حاج محمد پشمی، پدر چنگیز، شدن زندگی او و خانواده اش
۶۰	دستگیری عموها - ضربه دیگری بر چنگیز؟ قسم چنگیز برای کودتا
۶۹	آخر و عاقبت بتول خانم، مادر واقعی چنگیز
۷۱	عشق چنگیز به دختر اسعدالدوله
۷۲	زندگی دوباره حاج محمد پشمی در کرانشاه
۷۶	تجارت با معرفت و مشکل گشا - رمز برخاستن از پائین: پسران از بدبختی مالی
۸۰	کلافگی چنگیز از رفتار پدر و کمبود محبت و سوء استفاده مادری از او
۸۵	دو سال سکونت در تهران و اثرات آن در زندگی چنگیز - یاد پایه سیاسی
۹۲	تحول و رشد و نمو شخصیت چنگیز - سردرگمی در زندگی مذهبی
۹۷	عملی کردن قسم و رفتن به مدرسه نظام
۱۰۷	چنگیز در هامبورگ - خاطراتی اجمالی از بدو ورود به هامبورگ
۱۱۳	تأثیر زندگی گذشته چنگیز روی روابط عاطفی او - تشکیل خانواده؟
۱۳۰	سبب عدم ازدواج چنگیز چه بود؟
۱۳۲	چنگیز مرد خستگی ناپذیر در سیاست - فعالیت سیاسی او در آلمان
۱۵۱	انگیزه چنگیز برای وارد شدن به جریانات سیاسی
۱۵۲	نتیجه فعالیت های سیاسی برای چنگیز
۱۵۳	مضيقه مالی چنگیز در حین آمادگی برای امتحانات دولتی دانشگاه و گذراندن آن ها

- ۱۵۵ صحبت بچه‌ها با پدر و مادر برای دانستن رفتار غیرمنطقی آن‌ها
- ۱۵۹ اثرات کودکی چنگیز روی زندگی بزرگسالی او
- ۱۶۱ توصیف اوضاع و آرزوهای پدر در ایران بعد از آمدن چنگیز به آلمان
- ۱۶۹ اولین سفر چنگیز به ایران بعد از اقامت در آلمان - ۱۳۴۹ ه. ش. (۱۹۷۰ م.)
- ۱۷۷ سفر دوم چنگیز به ایران - ۱۳۵۳ ه. ش. (۱۹۷۴ م.)
- ۱۸۰ سفر به ایران در زمان امام خمینی (ره)
- ۱۸۲ سفر دوم به ایران در زمان امام خمینی (ره)
- ۱۸۴ فعالیت‌ها؛ پزشکی چنگیز در آلمان - حسادت پروسورها و همکاران
- ۱۹۰ کار در بیمارستان ملی لونبورگ
- ۲۰۵ افتتاح مطب. ر. و هلمسه
- ۲۱۱ راه و روش چنگیز: معالجه بیماران خود
- ۲۱۴ سرچشمهٔ مرض‌های روانی به طبقهٔ تجربیات چنگیز
- ۲۲۵ دوا نخوردن بیماران: یکی از علائم بسیار بزرگ
- دودستگی بین پزشک‌های بیمارستان در دورهٔ مرخص کردن مریض برای گذراندن آخرهای هفته در منزل
- ۲۲۵ یا برای همیشه - مشکلی بزرگ به ضرر سریصر
- ۲۲۷ نحوهٔ درمان کردن مریض با دواجات به وسیلهٔ - نگیز
- ۲۳۱ تجربه‌های چنگیز با بیماران خود
- ۲۳۵ نتیجهٔ سرپیچی از دستورات
- ۲۴۱ پزشک امراض عمومی پیش چنگیز
- ۲۴۲ یک بار قاتل، همیشه قاتل؟
- ۲۴۴ خانم دزد
- ۲۴۶ پسر پدر پول‌دار
- ۲۴۹ چنگیز در معرض خطر جانی از جانب مریض روانی خود
- ۲۵۰ ارزیابی چنگیز از خود و همکاران خود - خاطرات ماندگار او
- ۲۵۲ نتیجهٔ بازگویی این خاطرات برای چنگیز

در کتاب‌های فارسی قدیم که در زمینه اخلاقیات نوشته شده‌اند اکثراً فصلی در باب حکمت عملی است که شرح تکالیف آدمی در برابر مدنیّت و مملکت بوده و دیگری نیز تکالیف آدمی در برابر خانواده و فرزند و وجود خود انسان است که از اوکی به «تدبیر مُدُن» و «سیاست مُدُن» و دوّمی به «تدبیر منزل» و «سیاست اهل» تعبیر و خوانده شده است و این «اهل» همان خانواده و فامیل امروزی است و اختصاصاً به معنای «زن» و «همسر» نیز آمده است.^۱

در کتاب حاضر (از کرمانشاه تا هامبورگ، روی خطّ سیاست و روان‌پزشکی) سرگذشت مردی را می‌خوانیم که چون خواست به اوکی بپردازد (سیاست)، به اختیار و با تصمیم خود از داشتن دوّمی بماند (هم . و فرزند) و البته در اواسط کار، همان اوکی را هم رها کرد ولی شاید دیگر برای داشتن دوّمی هم کمی دیر شده بود. کتاب، شرح حال دکتر «چنگیز پشمی» است که با کوشش و پشتکار آقای دکتر «داریوش پورکیان» گردآوری و تألیف شده و البته مثل دو کتاب قبلی ایشان^۲ با نیت خیر و مصلحت‌رایی که در وجود ایشان است و تا به این حدّش را بنده در کم‌تر کسی دیده‌ام.

زندگی پرماجرا و پرافت و خیز دکتر چنگیز پشمی صرفاً زندگی یک فرد نیست. نکته بسیار مهمّ این خاطرات در این است که خواننده با تاریخ معاصر ایران - و حتّی آلمان - آشنا می‌شود. این کتاب هم درست مانند دو کتاب قبلی آقای داریوش پورکیان دید بسیار کامل و دقیقی از تاریخ اجتماعی معاصر کشورمان به ما می‌دهد. بر خلاف بیشتر کتاب‌های تاریخ که شرح حال سیاست‌مداران و وزرا و مقامات هستند، در این کتاب با شرح حال مردم عادی

۱. باستانی باریزی، محمدابراهیم؛ کوچه هفت بیج، انتشارات نگاه، چاپ چهارم؛ ۱۳۶۳.

۲. کتاب‌های قبلی آقای پورکیان که توسط همین ناشر چاپ شده‌اند عبارتند از: «لطیف، مرد عشق و هنر» که شرح زندگی دایی پدر آقای داریوش پورکیان است و تصویر بسیار روشنی از جامعه آن زمان (اواخر قاجار و ابتدای پهلوی) و جامعه کمونیستی شوروی به ما ارائه می‌کند. کتاب دیگر «نسل کتک‌خورده» است که خاطرات نویسنده در سنّ ده سالگی در همان مدرسه‌ای است که «جلال آل احمد» مدیر آن بوده و ماحصل این مدیریت همان کتاب «مدیر مدرسه» است و باز هم مثل کتاب قبلی تصویر بسیار واضحی از جامعه آن زمان را به ما می‌دهد. مطالب هر دو کتاب به گونه‌ای است که فیلم‌سازان می‌توانند برای دکور و صحنه فیلم‌هایی که داستان آن‌ها مربوط به آن زمان است کمک بگیرند.

جامعه و وضعیت زندگی آنان - از ارباب و تاجر گرفته تا یک خانواده روستایی در کرمانشاه - آشنا می‌شویم. مثلاً بعید می‌دانم اگر کسی علاقمند باشد بداند که در دهه ۱۰ شمسی حال و هوای زندگی در کرمانشاه یا تهران چگونه بوده، بتواند کتاب مناسب و معتبری بیابد. اما با همت آقای پورکیان و تلاش ایشان این مطالب از زبان یک شاهد عینی گردآوری شده‌اند.

چنگیز پشمی تنها پسر یک تاجر کرمانشاهی است که در بدو امر وی را به یک دایه روستایی می‌سپارند تا او را بزرگ کند. دل‌بستگی چنگیز به این زن و خانواده‌اش به گونه‌ای است که جدا شدن از او - در سن شش سالگی - بزرگ‌ترین ضربه روحی بر چنگیز بوده است (به گفته خودش). بعدها که افراد نظمی سرپاس مختاری به منزل آن‌ها حمله کرده و پدر وی را با خشونت دستگیر و دگامی و نهایتاً تبعید می‌کنند، ضربه دوم به روح لطیف این کودک وارد می‌شود و همین امر - به از ورود وی به دنیای سیاست می‌گردد - هر چند که پدر وی بارها به او توصیه کرده بود که هرگز به سیاست نگردد و به دنبال تحصیلات عالی باشد. درست مثل «خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان» که از وزیران مقتدر تاریخ ایران بود و وقتی او را برای مجازات می‌بردند در وصیت‌نامه‌ای خطاب به فرزندانش نوشت: «... باید که در محافظت فرزندان تقصیر ننمایید و ایشان را در تحصیل ترغیب دهید و البته نگذارید که گرد عمل گردند! با آن چه خدای تعالی روزی کرده بسازد».

با گردش روزگار، پدرش وی را برای تحصیل به آلمان می‌فرستد و چنگیز پشمی در آن جا همزمان با تحصیل در رشته پزشکی به جد و جهد تمام فعالیت سیاسی را بر علیه حکومت پهلوی دنبال می‌کند. همین امر موجب می‌شود دخترانی که با وی تا روزنامه‌امزدی پیش می‌روند را پس زده و علناً به آن‌ها اعلام کند که قصد تشکیل خانواده را ندارد چون ممکن است خطرات سیاست و سیاست‌زدگی موجب زحمت و دردسر برای خانواده گردد - همان اتفاقی

۱. منظور از «عمل» در این نوشته همان «سیاست» است. خدای ناکرده خوانندگان فکر بد نکنند! هر چند که اگر آن منظور

برداشت شود، باز هم توصیه خوبی از جانب یک پدر به فرزندان است.

۲. آثار الوزرای عقیلی.

که برای خانواده خودشان در کرمانشاه افتاد. حتی بعضی از آن دختران اعلام کردند که حاضرند پای همه چیز زندگی چنگیز بایستند ولی او نتوانست وجدان خود را قانع کند که کس دیگری را به خاطر خود به دردسر بیفکند.

اما بعد از تمام این مراحل و رسیدن به این نتیجه که سیاست کار او نیست، همان تحصیل در رشته پزشکی را با جدیت تمام دنبال و گرایش روان‌پزشکی را انتخاب می‌کند به این دلیل که بتواند به افرادی کمک کند که مشکلات روحی و روانی پیدا کرده‌اند و این نیت برگرفته از همان اتفاق تلخ دوران کودکی وی یعنی جدایی اجباری او از دایه‌اش بود.

از این جا به بعد دکتر چنگیز پشمی تمام زندگی خود را وقف بیماران کرده و تا زمانی که به لحاظ جسمانی توان آن را داشت به این کار ادامه داده تا روزی که دیگر در خود این توان را نمی‌بیند و خود را بازنشسته می‌داند.

با تمام افت و خیزها و تغییر جهت‌ها و تغییر مسیرهایی که در زندگی دکتر چنگیز پشمی روی داده و علت هر کدام از آن‌ها هر چه که بوده، با خواندن سرگذشت او درمی‌یابیم که همواره یک ویژگی در وجود وی حرف اول را می‌زند: «وجدان». در هر وضعیتی، با هر مرام و مسلکی و با هر عنوانی او همیشه اصول اخلاقی را مد نظر داشته و مراعات کرده است. حتی ازدواج نکردن او هم ریشه در وجدان حسّاس او دارد که نمی‌خواست به خاطر راه خطیری که انتخاب می‌کند زن و فرزندش در آینده به زحمت و دردسر بیفتند. در فعالیت‌های سیاسی هم هرگز آدم فروشی نکرد، به خاطر رسیدن به آن چه که به خاطرش می‌سوگند خورده بود حاضر نشد پا را از دایره اخلاقیات بیرون بگذارد و به هر قیمتی به چیزی که می‌خواهد برسد. در تمامی مبارزات سیاسی‌اش اثری از جاه‌طلبی، شهرت‌جویی یا کسب قدرت دیده نمی‌شود و تمامی آن زحمات را برای رسیدن به یک جامعه آرمانی بر خود تحمیل می‌کرده است:

در اندرون من خسته دل ندانم کیست
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست
در انتها نیز می‌بینیم که به عنوان یک پزشک برای بیمارانش از پدر و مادرشان هم دلسوزتر و مهربان‌تر بوده است.